

شناخت، رفتار، یادگیری

رابطه سبک فرزندپروری ادراک شده با انگیزش یادگیری براساس نقش میانجی باورهای خودکارآمدی در دانشجویان

ملوک طهماسبی^۱، مهناز عدالت پناه^{۲*}

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، موسسه آموزش عالی غیر انتفاعی هشت بهشت، اصفهان، ایران

۲. استادیار، گروه روانشناسی، موسسه آموزش عالی غیر انتفاعی هشت بهشت، اصفهان، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: behesht.faculty@gmail.com

تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۲/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۰۳

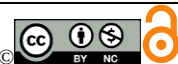
تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۰۱/۱۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه میان سبک‌های فرزندپروری ادراک شده و انگیزش یادگیری دانشجویان با تأکید بر نقش میانجی باورهای خودکارآمدی بود. این پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی و مبتنی بر مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه اصفهان در نیمسال اول ۱۴۰۲ بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، تعداد ۳۲۰ پرسشنامه توزیع شد که در نهایت ۳۰۳ پرسشنامه قابل تحلیل گردید. ابزارهای گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری بامریند، پرسشنامه انگیزش یادگیری توان و همکاران (۲۰۰۵) و مقیاس خودکارآمدی عمومی شوارتز و جروسلم بود. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS-۲۶ و AMOS تحلیل شدند. نتایج مدل معادلات ساختاری نشان داد که سبک فرزندپروری مقتدرانه دارای اثر مستقیم و غیرمستقیم مثبت بر انگیزش یادگیری است (اثر کل = ۰.۱۹۲)، در حالی که سبک سهل‌گیرانه اثر منفی بر انگیزش داشت (اثر کل = -۰.۱۰۷). همچنین سبک استبدادی دارای اثر مستقیم مثبت ولی با واسطه‌گری ضعیف بر انگیزش بود (اثر کل = ۰.۱۸۰). خودکارآمدی نقش میانجی معناداری در رابطه میان سبک‌های فرزندپروری و انگیزش یادگیری ایفا کرد، به گونه‌ای که سبک مقتدرانه به واسطه افزایش خودکارآمدی، انگیزش یادگیری را ارتقا می‌دهد (اثر غیرمستقیم = ۰.۰۷۰). نتایج پژوهش حاکی از آن است که سبک فرزندپروری مقتدرانه با تقویت باورهای خودکارآمدی می‌تواند نقش مؤثری در افزایش انگیزش یادگیری دانشجویان ایفا کند، در حالی که سبک سهل‌گیرانه موجب تضعیف این فرایند می‌شود. تقویت سبک‌های والدگری مقتدرانه و برنامه‌ریزی برای ارتقای خودکارآمدی در دانشجویان می‌تواند به ارتقاء کیفیت آموزشی و یادگیری منجر شود.

کلیدواژه‌گان: سبک‌های فرزندپروری، انگیزش یادگیری، خودکارآمدی، دانشجویان.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.



شیوه استناددهی: طهماسبی، ملوک، و عدالت پناه، مهناز. (۱۴۰۴). رابطه سبک فرزندپروری ادراک شده با انگیزش یادگیری براساس نقش میانجی باورهای خودکارآمدی در دانشجویان. شناخت، رفتار، یادگیری، ۱۲(۱)، ۱-۱۲.

Cognition, Behavior, Learning

The Relationship Between Perceived Parenting Style and Learning Motivation Based on the Mediating Role of Self-Efficacy Beliefs Among University Students

Molouk Tahmasebi¹, Mahnaz Edalat Panah^{2*}

1. Master's Degree in Educational Psychology, Hasht Behesht Non-Profit Higher Education Institute, Isfahan, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Psychology, Hasht Behesht Non-Profit Higher Education Institute, Isfahan, Iran

*Corresponding Author's Email: behesht.faculty@gmail.com

Submit Date: 2025-04-02

Revise Date: 2025-04-23

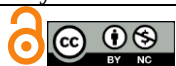
Accept Date: 2025-05-04

Publish Date: 2025-05-16

Abstract

The present study aimed to examine the relationship between perceived parenting styles and students' learning motivation based on the mediating role of self-efficacy beliefs. This was a descriptive-correlational study using structural equation modeling (SEM). The statistical population consisted of all students of the Faculty of Psychology and Educational Sciences at the University of Isfahan during the first semester of the 2023–2024 academic year. Using convenience sampling, 320 questionnaires were distributed, of which 303 were valid for analysis. Data were collected using Baumrind's Parenting Style Questionnaire, the Learning Motivation Questionnaire by Tuan et al. (2005), and the General Self-Efficacy Scale by Schwarzer and Jerusalem. Data analysis was conducted using SPSS-26 and AMOS. SEM results revealed that the authoritative parenting style had both direct and indirect positive effects on learning motivation (total effect = 0.192), while the permissive style had a negative effect (total effect = -0.107). The authoritarian style showed a direct positive but weak indirect effect (total effect = 0.180). Self-efficacy significantly mediated the relationship between parenting styles and learning motivation, as the authoritative style improved motivation through increased self-efficacy (indirect effect = 0.070). The findings indicate that the authoritative parenting style enhances learning motivation by reinforcing self-efficacy beliefs, whereas the permissive style hinders this process. Promoting authoritative parenting approaches and developing programs to boost self-efficacy in students can contribute to improving learning quality and educational outcomes.

Keywords: *Parenting styles, learning motivation, self-efficacy, students.*



How to cite: Tahmasebi, M., & Edalat Panah, M. (2025). The Relationship Between Perceived Parenting Style and Learning Motivation Based on the Mediating Role of Self-Efficacy Beliefs Among University Students. *Cognition, Behavior, Learning*, 2(1), 1-12.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

انگیزش یادگیری یکی از مهم‌ترین متغیرهای روان‌شناختی مؤثر بر موفقیت تحصیلی دانشجویان محسوب می‌شود، چراکه جهت‌گیری رفتاری، میزان تلاش، پایداری و سطح درگیری شناختی آنان را در فرایند یادگیری تحت تأثیر قرار می‌دهد. این مفهوم، بازتابی از باور، هیجان و رفتار در تعامل با اهداف آموزشی است و به‌طور مستقیم با سطح عملکرد تحصیلی، تنظیم هیجانی و خودکارآمدی فرد در ارتباط است (Agustina, 2024; Zeng, 2024; Margunayasa, 2024). با توجه به اهمیت انگیزش یادگیری در سطوح مختلف آموزشی، شناسایی عوامل تعیین‌کننده و زمینه‌ساز آن از جمله وظایف اساسی نظام‌های تربیتی و روان‌شناسی آموزش است.

یکی از عوامل مهمی که در سال‌های اخیر توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده، سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده توسط دانش‌آموزان و دانشجویان است؛ سبک‌هایی که والدین از طریق آن‌ها الگوهای رفتاری، ارزش‌ها، هنجارها و چارچوب‌های اخلاقی را به فرزندان انتقال می‌دهند. فرزندپروری مقتدرانه با ویژگی‌هایی همچون حمایت عاطفی بالا، ارتباط دوسویه، تعیین حد و مرز روشن و فراهم آوردن زمینه استقلال، اغلب با انگیزش یادگیری بالا در نوجوانان و جوانان همراه است (Madalena et al., 2024; Zheng et al., 2024). در مقابل، سبک‌های سهل‌گیرانه و مستبدانه به دلیل ناتوانی در ایجاد تعادل میان محبت و کنترل یا بهره‌گیری از روش‌های افراطی در کنترل، با سطوح پایین‌تری از انگیزش و خودکارآمدی همراه هستند (Akrom & Ahmadi, 2024; Madani & Iskandar, 2024).

ادراک فرد از سبک فرزندپروری تجربه‌شده، نه‌تنها در شکل‌گیری نگرش‌های تحصیلی بلکه در باور فرد نسبت به توانایی‌ها و صلاحیت‌هایش نیز تأثیرگذار است. این امر در قالب مفهوم خودکارآمدی بازنمایی می‌شود؛ خودکارآمدی به‌عنوان توانایی ادراک‌شده برای سازمان‌دهی، انجام و استمرار فعالیت‌های لازم برای تحقق اهداف (Parsakia et al., 2023)، می‌تواند نقش واسطه‌ای میان شیوه‌های فرزندپروری و انگیزش یادگیری ایفا کند (Xu, 2024; Zeng, 2024). در واقع، سبک‌های فرزندپروری با ایجاد تجربه‌های موفق یا ناموفق، بستر ادراک مثبت یا منفی از توانایی‌های فرد را فراهم می‌سازند که در نهایت به تقویت یا تضعیف انگیزش می‌انجامد.

مطالعات متعددی به بررسی رابطه میان سبک‌های فرزندپروری و انگیزش یادگیری پرداخته‌اند و اغلب به این نتیجه رسیده‌اند که سبک مقتدرانه پیش‌بینی‌کننده مثبت انگیزش تحصیلی است، در حالی که سبک‌های سهل‌گیرانه و استبدادی با پیامدهای منفی یادگیری در ارتباط‌اند (Febriani et al., 2023; Yuan, 2023). برای مثال، پژوهش Kasmini و همکاران نشان داد که نوجوانانی که سبک مقتدرانه والدین را ادراک می‌کنند، دارای سطوح بالاتری از خودانگیزشی و تنظیم رفتار در یادگیری هستند، در حالی که دانش‌آموزان دارای والدین سهل‌گیر یا سخت‌گیر از انگیزش پایینی برخوردارند (Kasmini & Mardhatillah, 2023). به همین ترتیب، پژوهش‌های صورت‌گرفته در فرهنگ‌های آسیایی نیز از وجود ارتباط مثبت بین سبک مقتدرانه و انگیزش تحصیلی حمایت می‌کنند (Putri et al., 2023; Zhang et al., 2024). افزون بر این، برخی مطالعات به نقش باورهای واسطه‌ای از جمله خودکارآمدی اشاره کرده‌اند. بر اساس یافته‌های Peng، خودکارآمدی نقش تعیین‌کننده‌ای در ترجمه سبک‌های فرزندپروری به پیامدهای انگیزشی دارد؛ به‌گونه‌ای که سبک مقتدرانه با تقویت حس کارآمدی موجب افزایش تلاش، پایداری و جهت‌گیری مثبت یادگیری در نوجوانان می‌شود (Peng, 2023). یافته‌های مشابهی توسط Abidin و Pitaloka نیز گزارش شده است که در آن سبک فرزندپروری مقتدرانه از طریق افزایش انعطاف‌پذیری و باور به توانمندی‌ها، به افزایش انگیزش یادگیری منجر می‌شود (Abidin & Pitaloka, 2023).

نکته قابل توجه آن است که بسیاری از مطالعات به تأثیرات مستقیم سبک‌های فرزندپروری بر انگیزش پرداخته‌اند، در حالی که مدل‌های علی پیچیده‌تر شامل متغیرهای واسطه‌گر کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. در این راستا، پژوهش‌های اخیر به بررسی مدل‌های میانجی با تأکید بر نقش خودکارآمدی پرداخته‌اند. برای نمونه، Xu در پژوهشی نشان داد که صفات ادراک‌شده والدین در سبک مقتدرانه (مانند پذیرش، توجه و توانمندسازی) از طریق افزایش خودکارآمدی تحصیلی موجب ارتقاء انگیزش یادگیری می‌شوند (Xu, 2024). از سوی دیگر، Erden و Üredi نیز به تأثیر سبک‌های فرزندپروری بر راهبردهای یادگیری خودتنظیم از طریق باورهای انگیزشی اشاره کرده‌اند (Erden & Üredi, 2023).

از منظر فرهنگی نیز یافته‌های پژوهش‌ها نشان می‌دهند که اثرات سبک‌های فرزندپروری بر انگیزش یادگیری در جوامع مختلف ممکن است با یکدیگر تفاوت داشته باشند. برای نمونه، در فرهنگ‌های جمع‌گرای آسیایی مانند اندونزی، مطالعاتی چون پژوهش Kusumah و Nasution حاکی از آن است که سبک‌های فرزندپروری اغلب با انتظارات فرهنگی گره خورده و در قالب نقش‌های والدینی معنا می‌یابند که این امر می‌تواند بر باورهای یادگیرندگان نسبت به خود و انگیزش آن‌ها تأثیرگذار باشد (Kusumah, 2024; Nasution et al., 2023). همچنین Vega-Díaz و همکاران در مطالعه‌ای بر روی نوجوانان اسپانیایی نشان دادند که نوع سبک فرزندپروری نقش مهمی در انگیزش به فعالیت‌های هدفدار از جمله یادگیری و فعالیت‌های سلامت‌محور دارد (Vega-Díaz et al., 2023).

مطالعه حاضر در پاسخ به نیاز برای بررسی دقیق‌تر روابط بین سبک‌های فرزندپروری، خودکارآمدی و انگیزش یادگیری در دانشجویان طراحی شده است. در این پژوهش تلاش شده است تا مدل مفهومی جامعی ارائه شود که در آن، نقش سبک‌های مختلف فرزندپروری (مقتدرانه، سهل‌گیرانه و استبدادی) بر انگیزش یادگیری دانشجویان مورد بررسی قرار گرفته و سهم میانجی باورهای خودکارآمدی در این رابطه تحلیل گردد.

روش‌شناسی

با توجه به هدف پژوهش حاضر که بررسی روابط میان متغیرهای سبک فرزندپروری ادراک‌شده، انگیزش یادگیری و باورهای خودکارآمدی است، طرح پژوهش توصیفی از نوع همبستگی و بر پایه مدلیابی معادلات ساختاری انتخاب گردید. جامعه آماری شامل تمامی دانشجویان دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه اصفهان در نیم‌سال اول تحصیلی ۱۴۰۲ بود که بر اساس داده‌های موجود، جمعیت این جامعه برابر با ۹۶۷ نفر گزارش شد. جهت تعیین حجم نمونه از جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) استفاده شد و با توجه به این جدول، حجم نمونه مناسب برای چنین جامعه‌ای، ۲۷۸ نفر برآورد گردید. با این حال، برای افزایش اطمینان و کنترل حذف‌های احتمالی، ۳۲۰ پرسشنامه به صورت در دسترس در میان دانشجویان توزیع شد که در نهایت ۳۰۳ پرسشنامه به صورت کامل بازگردانده شد و وارد تحلیل شدند. نرخ بازگشت پرسشنامه‌ها ۹۴ درصد بود که نشان‌دهنده مشارکت قابل قبول نمونه پژوهش در این مطالعه می‌باشد.

برای سنجش سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده از پرسشنامه‌ای استفاده شد که بر اساس نظریه بامریند (۱۹۷۳) طراحی شده و شامل ۳۰ گویه است. این ابزار سه سبک فرزندپروری یعنی سهل‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه را مورد سنجش قرار می‌دهد، به طوری که هر سبک توسط ۱۰ گویه مشخص شده است. مقیاس پاسخ‌گویی بر اساس طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای از «کاملاً موافقم» تا «کاملاً مخالفم» طراحی شده و به ترتیب از صفر تا چهار نمره‌گذاری می‌شود. مجموع نمرات هر ده‌گویه، نشان‌دهنده میزان گرایش والدین به هر یک از سبک‌های فرزندپروری است و سبک غالب، بر اساس نمره بالاتر مشخص می‌گردد. روایی محتوایی این پرسشنامه توسط گروهی از صاحب‌نظران روان‌شناسی در پژوهش اسفندیاری (۱۳۷۴) تأیید شده و ضرایب پایایی آن نیز برای سبک مقتدرانه ۰.۷۳، برای سبک مستبدانه ۰.۷۷ و برای سبک سهل‌گیرانه ۰.۶۳ گزارش شده است (Razavi, 2024).

جهت سنجش انگیزش یادگیری از پرسشنامه توان و همکاران (۲۰۰۵) استفاده شد که شامل ۳۵ گویه و ۶ خرده‌مقیاس شامل خودکارآمدی در یادگیری، استراتژی یادگیری فعال، ارزش یادگیری علم، هدف عملکرد، هدف پیشرفت و تحریک محیط یادگیری می‌باشد. این ابزار در پژوهش‌های داخلی نیز مورد استفاده قرار گرفته و زارع و بخشش (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای بر روی ۳۷۵ دانشجوی پیام نور، روایی و پایایی این ابزار را مورد تأیید قرار داده‌اند. در بررسی همسانی درونی، تمامی گویه‌ها با نمره کل همبستگی بالایی نشان دادند و ضرایب آلفای کرونباخ و گاتمن به ترتیب برابر با ۰.۸۳۸ و ۰.۸۷۵ به دست آمد. همچنین، ضریب بازآزمایی پس از دو هفته برابر با ۰.۶۶۷ و در سطح معنی‌داری ۰.۰۰۱ بود. تحلیل عاملی اکتشافی نیز شش عامل متناظر با خرده‌مقیاس‌ها را شناسایی نمود که در مجموع ۵۶.۰۵ درصد از واریانس کل را تبیین کردند (Madani & Iskandar, 2024).

برای سنجش باورهای خودکارآمدی عمومی از مقیاس ۱۰ گویه‌ای شوارتز و جروسلم (۱۹۸۱) با عنوان GSE-10 استفاده شد که نسخه اولیه آن دارای ۲۰ گویه بود. این مقیاس به طور گسترده در کشورهای مختلف مورد استفاده قرار گرفته و ضرایب آلفای کرونباخ آن بین ۰.۸۵ تا ۰.۹۱ گزارش شده است. در ایران، رجبی (۱۳۸۵) پایایی و روایی نسخه فارسی این مقیاس را در میان دانشجویان رشته روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز و دانشگاه آزاد مرودشت بررسی کرد. نتایج نشان داد که سازه خودکارآمدی عمومی ۳۸.۶۹ درصد از واریانس گویه‌ها را تبیین می‌کند. همچنین، ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس در نمونه‌های مختلف بین ۰.۸۰ تا ۰.۸۴ بود و روایی هم‌زمان این مقیاس با مقیاس عزت نفس روزنبرگ نیز به صورت معناداری در سه نمونه مورد بررسی، بین ۰.۲۰ تا ۰.۳۰ گزارش شد (Alzabidi et al., 2024). برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح توصیفی از نرم‌افزار SPSS-26 استفاده شد تا شاخص‌هایی چون فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار محاسبه گردد. در سطح استنباطی نیز به منظور بررسی روابط علی و غیرعلی میان متغیرهای پژوهش و آزمون مدل مفهومی مبتنی بر فرضیات، از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری و نرم‌افزار AMOS بهره گرفته شد. استفاده از این رویکرد تحلیلی امکان بررسی دقیق نقش میانجی باورهای خودکارآمدی در رابطه بین سبک فرزندپروری ادراک‌شده و انگیزش یادگیری را فراهم ساخت.

یافته‌ها

در نمونه آماری این پژوهش که شامل ۳۰۳ دانشجوی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه اصفهان بود، دامنه سنی شرکت‌کنندگان بین ۱۹ تا ۳۷ سال قرار داشت. میانگین سنی افراد نمونه ۲۷.۷۲۳ سال با انحراف استاندارد ۵.۵۰۲ محاسبه شد که نشان‌دهنده تمرکز گروه سنی بر دوره جوانی و اوایل بزرگسالی است. از نظر جنسیت، ۲۳۱ نفر از شرکت‌کنندگان (۷۶.۲ درصد) زن و ۷۲ نفر (۲۳.۸ درصد) مرد بودند که این ترکیب حاکی از غالب بودن جنسیت مؤنث در نمونه مورد مطالعه است.

جدول ۱. داده‌های توصیفی میانگین، انحراف استاندارد، کمینه و بیشینه متغیرهای پژوهش

مؤلفه	میانگین	انحراف استاندارد	کمینه	بیشینه
خودکارآمدی در یادگیری	۲۱.۲۶۱	۴.۸۵۲	۹	۳۴
راهبردهای یادگیری فعال	۲۱.۳۵۶	۵.۴۶۷	۹	۳۴
ارزشمندی یادگیری	۱۷.۶۹۳	۴.۴۵۲	۶	۳۰
هدف عملکرد	۱۱.۱۲۵	۲.۹۳۹	۳	۱۵
هدف موفقیت	۱۶.۰۵۶	۳.۶۹۴	۷	۲۶
برانگیزاندگی محیط یادگیری	۱۸.۰۰۰	۴.۷۲۸	۷	۲۹
انگیزه یادگیری	۱۰۵.۴۹۲	۱۹.۸۲۵	۴۱	۱۶۸
سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه	۲۰.۴۱۳	۶.۳۹۶	۳	۳۵
سبک فرزندپروری استبدادی	۱۸.۱۴۹	۴.۶۱۴	۳	۳۱
سبک فرزندپروری مقتدرانه	۲۲.۹۵۷	۵.۷۹۰	۸	۳۹
خودکارآمدی	۲۷.۵۱۲	۶.۲۵۱	۱۰	۴۵

در بخش توصیفی داده‌ها، نتایج به دست آمده نشان داد که میانگین کلی انگیزه یادگیری در بین دانشجویان برابر با ۱۰۵.۴۹۲ و انحراف استاندارد آن ۱۹.۸۲۵ بود که حاکی از سطح نسبتاً بالای انگیزش در نمونه مورد مطالعه است. در میان مؤلفه‌های انگیزش یادگیری، مؤلفه راهبردهای یادگیری فعال با میانگین ۲۱.۳۵۶ بالاترین مقدار را داشت و مؤلفه هدف عملکرد با میانگین ۱۱.۱۲۵ کمترین مقدار را نشان داد. همچنین، میانگین خودکارآمدی در یادگیری برابر با ۲۱.۲۶۱ بود که نشان‌دهنده باور مثبت دانشجویان نسبت به توانمندی‌های خود در فرآیند یادگیری است. در خصوص سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده، سبک مقتدرانه با میانگین ۲۲.۹۵۷ بالاترین مقدار را به خود اختصاص داد، در حالی که سبک‌های سهل‌گیرانه و استبدادی به ترتیب دارای میانگین‌های ۲۰.۴۱۳ و ۱۸.۱۴۹ بودند. میانگین کلی خودکارآمدی نیز برابر با ۲۷.۵۱۲ و

انحراف استاندارد آن ۶.۲۵۱ گزارش شد. این نتایج نشان‌دهنده وضعیت مطلوب نسبی در متغیرهای روان‌شناختی مورد بررسی در میان دانشجویان هستند.

در بخش بررسی مفروضه‌های آماری، جهت سنجش نرمال بودن توزیع متغیرها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد. نتایج این آزمون برای متغیرهای سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه (۰.۰۴۷)، استبدادی (۰.۰۳۹)، مقتدرانه (۰.۰۳۴)، انگیزه یادگیری (۰.۰۳۲) و خودکارآمدی (۰.۰۴۸) در سطح معناداری بالاتر از ۰.۰۵ قرار گرفتند (به ترتیب ۰.۲۰۰ برای چهار متغیر اول و ۰.۰۹۷ برای خودکارآمدی) که این امر تأییدکننده نرمال بودن توزیع داده‌ها است. همچنین، بررسی پیش‌فرض عدم هم‌خطی چندگانه با استفاده از شاخص‌های Tolerance و VIF نشان داد که مقادیر Tolerance برای همه متغیرهای پیش‌بین بالاتر از ۰.۹ بوده و مقادیر VIF نیز همگی کمتر از ۱.۱ هستند (به ترتیب: سبک سهل‌گیرانه ۰.۹۸۲ و ۱.۰۱۸، سبک استبدادی ۰.۹۹۱ و ۱.۰۰۹، سبک مقتدرانه ۰.۹۷۴ و ۱.۰۲۶، و خودکارآمدی ۰.۹۷۰ و ۱.۰۳۱). این نتایج حاکی از عدم وجود هم‌خطی چندگانه و برقراری کامل مفروضه‌های آماری لازم برای ادامه تحلیل معادلات ساختاری هستند.

در ادامه یافته‌های پژوهش، به بررسی برازش مدل مفهومی و تحلیل مسیرهای مستقیم، غیرمستقیم و کل میان متغیرهای پژوهش پرداخته شده است. ابتدا شاخص‌های برازش مدل نهایی از طریق نرم‌افزار AMOS استخراج شد که نتایج آن در جدول زیر آمده است:

جدول ۲. شاخص‌های نیکویی برازش مدل ترسیمی نهایی

شاخص برازندگی	CMIN	DF	TLI	IFI	NFI	CFI	RMSEA	Chi-square	P
مدل پیشنهادی	۲۳۹.۹۶۵	۴۵	۰.۹۶۳	۰.۹۷۵	۰.۸۴۵	۰.۹۷۳	۰.۰۲۱	۵.۳۳۳	۰.۰۰۱

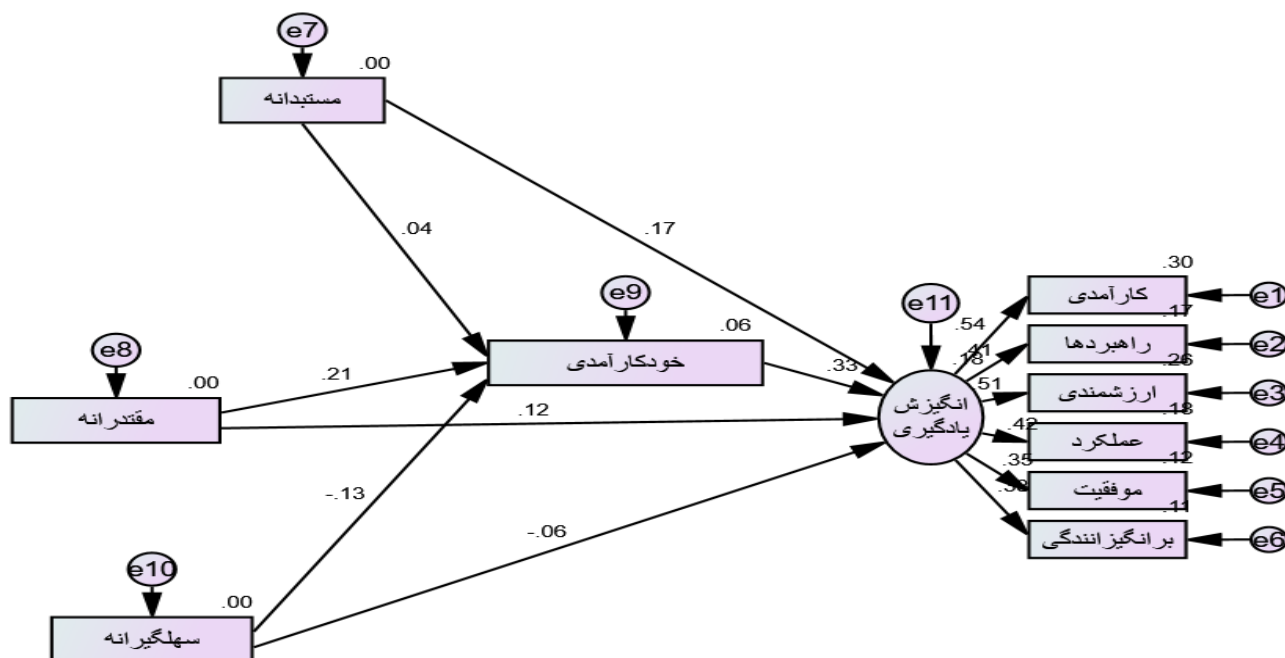
بر اساس داده‌های جدول فوق، می‌توان نتیجه گرفت که تمامی شاخص‌های نیکویی برازش مطلق و نسبی مدل در وضعیت قابل قبول و حتی مطلوبی قرار دارند. مقدار شاخص‌های IFI، TLI و CFI به ترتیب برابر با ۰.۹۷۵، ۰.۹۶۳ و ۰.۹۷۳ و بالاتر از ۰.۹۰ هستند که نشان‌دهنده برازش خوب مدل هستند. همچنین مقدار شاخص RMSEA برابر با ۰.۰۲۱ به دست آمد که از مقدار معیار ۰.۰۹ بسیار پایین‌تر است و گویای خطای تقریبی پایین در مدل است. با اینکه مقدار کای اسکور (۵.۳۳۳) با درجه آزادی ۴۵ در سطح معناداری کمتر از ۰.۰۱ گزارش شد، اما با توجه به حساسیت این شاخص نسبت به حجم نمونه و توزیع داده‌ها، تکیه بر سایر شاخص‌های برازندگی برای قضاوت در مورد مدل معنادارتر است. در نتیجه، می‌توان نتیجه گرفت که مدل نهایی پژوهش برازش مطلوبی با داده‌ها دارد و برای تحلیل مسیرهای فرض‌شده قابل اتکا است. در ادامه، مسیرهای علی بین متغیرهای مدل از نظر اثر کل، مستقیم و غیرمستقیم مورد بررسی قرار گرفتند و نتایج در جدول زیر آمده است:

جدول ۳. ضرایب کل، مستقیم و غیرمستقیم استاندارد شده مسیرهای رگرسیونی

مسیر رگرسیونی	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم
سبک سهل‌گیرانه → خودکارآمدی	-۰.۱۳۲	-۰.۱۳۲	---
سبک مقتدرانه → خودکارآمدی	۰.۲۱۴	۰.۲۱۴	---
سبک استبدادی → خودکارآمدی	۰.۰۳۷	۰.۰۳۷	---
سبک سهل‌گیرانه → انگیزش یادگیری	-۰.۱۰۷	۰.۰۶۴	-۰.۰۴۳
سبک مقتدرانه → انگیزش یادگیری	۰.۱۹۲	۰.۱۲۲	۰.۰۷۰
سبک استبدادی → انگیزش یادگیری	۰.۱۸۰	۰.۱۶۸	۰.۰۱۲
خودکارآمدی → انگیزش یادگیری	۰.۳۲۶	۰.۳۲۶	---

بر اساس جدول فوق، مشخص شد که سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه اثر منفی و معناداری بر خودکارآمدی دارد ($\beta = -۰.۱۳۲$)، در حالی که سبک مقتدرانه دارای تأثیر مثبت و معنادار بر خودکارآمدی است ($\beta = ۰.۲۱۴$). سبک استبدادی نیز دارای اثر مثبت ولی ضعیفی بر خودکارآمدی می‌باشد ($\beta = ۰.۰۳۷$). در رابطه با انگیزش یادگیری، سبک مقتدرانه (اثر کل = ۰.۱۹۲، مستقیم = ۰.۱۲۲، غیرمستقیم = ۰.۰۷۰) و سبک استبدادی (اثر کل = ۰.۱۸۰، مستقیم = ۰.۱۶۸، غیرمستقیم = ۰.۰۱۲) هر دو تأثیر مثبت و معناداری داشتند، در حالی که سبک سهل‌گیرانه

اثر کل منفی داشت (اثر کل = -0.107) و سهم اثر غیرمستقیم آن از طریق متغیر میانجی خودکارآمدی برابر با -0.043 گزارش شد. همچنین، خودکارآمدی دارای تأثیر مستقیم مثبت و معنادار بر انگیزش یادگیری بود ($\beta = 0.326$). این نتایج نقش میانجی معنادار خودکارآمدی را در ارتباط بین سبک‌های فرزندپروری و انگیزش یادگیری تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که سبک‌های مختلف فرزندپروری به‌طور غیرمستقیم از طریق ارتقاء یا تضعیف باورهای خودکارآمدی می‌توانند بر انگیزش تحصیلی دانشجویان تأثیرگذار باشند.



شکل ۱. مدل نهایی پژوهش به همراه ضرایب استاندارد

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که سبک‌های مختلف فرزندپروری ادراک‌شده دارای رابطه معنادار با انگیزش یادگیری دانشجویان هستند و این رابطه از طریق متغیر میانجی باورهای خودکارآمدی تبیین می‌شود. سبک فرزندپروری مقتدرانه دارای بیشترین اثر مثبت بر باورهای خودکارآمدی و انگیزش یادگیری بود، در حالی که سبک سهل‌گیرانه رابطه‌ای منفی با این دو متغیر نشان داد. سبک استبدادی نیز با وجود اثر مستقیم معنادار بر انگیزش یادگیری، ارتباط ضعیف‌تری با خودکارآمدی داشت. همچنین، خودکارآمدی نقش واسطه‌ای معناداری در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و انگیزش یادگیری ایفا کرد.

این نتایج با مطالعات متعددی همراستا است. به‌طور خاص، پژوهش Xu نشان داد که سبک‌های مقتدرانه والدینی با ارتقای ابعاد حمایتی و توانمندسازی فرزندان، نقش مؤثری در افزایش خودکارآمدی تحصیلی و در نتیجه ارتقاء انگیزش یادگیری ایفا می‌کنند (Xu, 2024). همین‌طور پژوهش Zeng نیز با تأکید بر تأثیر دوسویه بین ادراک سبک‌های فرزندپروری و خودکارآمدی، به نقش میانجی خودکارآمدی در پیوند میان والدگری و یادگیری اشاره کرده است (Zeng, 2024). یافته‌های حاضر از این منظر تأییدکننده این الگوها بوده و نشان می‌دهد که رابطه والد-فرزند در دوران رشد، نقشی بنیادین در شکل‌گیری انگیزه‌های درونی فرد برای یادگیری در بزرگسالی دارد.

همچنین، تأثیر منفی سبک سهل‌گیرانه بر خودکارآمدی و انگیزش یادگیری که در پژوهش حاضر مشاهده شد، با نتایج پژوهش Akrom همخوانی دارد که در آن گزارش شد والدینی که محدودیت‌ها و ساختار روشنی در محیط خانوادگی ایجاد نمی‌کنند، فرزندان با انگیزه پایین‌تر نسبت به فرآیند یادگیری تربیت می‌کنند (Akrom & Ahmadi, 2024). در مقابل، سبک مقتدرانه به‌واسطه تعادل میان محبت و کنترل، موجب رشد باورهای مثبت نسبت به توانایی‌ها و تلاش بیشتر برای موفقیت تحصیلی می‌شود (Zheng et al., 2024).

یافته‌های این مطالعه همچنین با پژوهش Peng هم‌راستا است که در آن تأکید شده سبک فرزندپروری از طریق تأثیرگذاری بر ادراک خود نسبت به شایستگی‌ها و مهارت‌ها، می‌تواند میزان انگیزش را در حیطه‌های مختلف تحصیلی پیش‌بینی کند (Peng, 2023). بر همین اساس، یکی از نقش‌های کلیدی والدین، نه‌تنها فراهم آوردن شرایط مناسب یادگیری، بلکه تقویت دیدگاه مثبت فرزندان نسبت به توانمندی‌هایشان است که در قالب خودکارآمدی نمود پیدا می‌کند. در همین راستا، یافته‌های Madani نیز سبک مقتدرانه را پیش‌بینی‌کننده مستقیم انگیزش یادگیری معرفی کرده است (Madani & Iskandar, 2024).

از سوی دیگر، رابطه مثبت سبک استبدادی با انگیزش یادگیری در پژوهش حاضر که به‌صورت مستقیم مشاهده شد، در نگاه اول ممکن است با تصور غالب درباره اثرات منفی این سبک در تضاد باشد. با این حال، پژوهش‌هایی مانند پژوهش Wahyuni نیز به نقش ساختار و انضباط در برخی زمینه‌های یادگیری اشاره کرده‌اند؛ به‌ویژه در فرهنگ‌هایی که اقتدار والدین به‌عنوان عامل ضروری در تربیت تلقی می‌شود (Wahyuni & Rahmat, 2024). با این حال، عدم تأثیر سبک استبدادی بر خودکارآمدی در پژوهش حاضر نشان می‌دهد که این سبک نمی‌تواند در درازمدت به شکل‌گیری ادراک مثبت از توانمندی‌های یادگیری منجر شود، بلکه صرفاً ممکن است با فشار بیرونی، انگیزش عملکردی و موقتی ایجاد کند.

نقش معنادار خودکارآمدی به‌عنوان میانجی نیز از یافته‌های مهم این پژوهش بود. خودکارآمدی توانست بخشی از اثر سبک‌های فرزندپروری را بر انگیزش یادگیری توضیح دهد. این نتیجه با یافته‌های پژوهش Yuan همخوانی دارد که در آن دانشجویان دارای خودکارآمدی بالا، سطح انگیزش بیشتری برای یادگیری نشان دادند و این خودکارآمدی تحت تأثیر تجارب حمایتی والدین در دوران رشد شکل گرفته بود (Yuan, 2023). همچنین در مطالعه Kasmini، خودکارآمدی به‌عنوان عامل کلیدی در واسطه‌گری تأثیر سبک والدین بر رفتارهای آموزشی معرفی شد (Kasmini & Mardhatillah, 2023).

همچنین نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های Madalena نیز در هماهنگی است؛ آنان نشان دادند که نوجوانانی که والدین آن‌ها از سبک مقتدرانه پیروی می‌کنند، از سطح بالاتری از سلامت روانی، ادراک مثبت تحصیلی و انگیزش درونی برخوردارند و خودکارآمدی نقش کلیدی در این فرایند دارد (Madalena et al., 2024). به‌علاوه، یافته‌های حاضر با پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه آموزش ابتدایی و متوسطه نیز هم‌راستا هستند. برای نمونه، مطالعه Agustina تأکید می‌کند که سبک مقتدرانه والدین با انگیزش بالاتر یادگیری در دروس علوم مدرسه ابتدایی در ارتباط است، در حالی که سبک‌های افراطی یا بدون ساختار به کاهش انگیزش منجر می‌شوند (Agustina & Margunayasa, 2024). پژوهش‌های دیگر نیز مؤید این یافته‌اند که ادراک دانش‌آموزان از والدین خود در تعیین میزان خودانگیزگی و علاقه آن‌ها به یادگیری نقش دارد (Kurniasari et al., 2023; Putri et al., 2023). برای نمونه، مطالعه Putri نشان داد که هرچه میزان تعامل مؤثر و حمایت‌گرایانه والدین بیشتر باشد، سطح انگیزش تحصیلی و تعهد یادگیری فرزندان نیز افزایش می‌یابد. همچنین، پژوهش Nasution نیز بیان می‌کند که سبک مقتدرانه با ارتقای عزت‌نفس و اعتمادبه‌نفس دانش‌آموزان، زمینه‌ساز افزایش انگیزه دروس دینی و اخلاقی است (Nasution et al., 2023).

از لحاظ فرهنگی، یافته‌های حاضر با پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه جوامع آسیایی انطباق دارند. در فرهنگ‌هایی که ساختار خانواده اهمیت ویژه‌ای دارد، سبک مقتدرانه والدین اغلب با ویژگی‌هایی همچون هماهنگی عاطفی، درگیری آموزشی و گفت‌وگوی باز همراه است که منجر به رشد انگیزه‌های درونی می‌شود (Anggreni & Dibia, 2022; Wahyuningtyas et al., 2022). در همین راستا، پژوهش Kusumah نیز نقش تعیین‌کننده سبک فرزندپروری در شکل‌گیری انگیزش یادگیری دانش‌آموزان دوره ابتدایی را تأیید می‌کند (Kusumah, 2024). در مجموع، نتایج پژوهش حاضر با بدنه‌ای غنی از مطالعات پیشین در این حوزه هماهنگ است و نشان می‌دهد که سبک‌های فرزندپروری، به‌ویژه سبک مقتدرانه، با تقویت باورهای خودکارآمدی می‌توانند نقش مهمی در افزایش انگیزش یادگیری در دانشجویان ایفا کنند. این یافته‌ها می‌تواند الگویی معتبر برای سیاست‌گذاران آموزشی، خانواده‌ها و مشاوران تربیتی در جهت بهبود فرایندهای یادگیری فراهم آورد.

این پژوهش نیز همانند سایر مطالعات با محدودیت‌هایی همراه بود. نخست، داده‌های پژوهش به صورت خودگزارشی توسط شرکت‌کنندگان جمع‌آوری شد که ممکن است تحت تأثیر سوگیری‌های پاسخ‌دهی یا خطای ادراک قرار گرفته باشند. دوم، نمونه پژوهش محدود به دانشجویان یک دانشکده خاص بود که امکان تعمیم یافته‌ها به سایر گروه‌های سنی، رشته‌ها یا مناطق فرهنگی متفاوت را محدود می‌کند. همچنین، این مطالعه از نوع همبستگی بود و با وجود استفاده از مدل معادلات ساختاری، امکان تبیین رابطه علی دقیق میان متغیرها به صورت قطعی وجود ندارد.

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، نمونه‌هایی گسترده‌تر از مناطق جغرافیایی و با تنوع فرهنگی و تحصیلی بیشتر مورد بررسی قرار گیرد تا امکان تعمیم یافته‌ها افزایش یابد. همچنین استفاده از روش‌های ترکیبی کیفی-کمی می‌تواند درک عمیق‌تری از نحوه اثرگذاری سبک‌های فرزندپروری بر انگیزش یادگیری فراهم سازد. بررسی تفاوت‌های جنسیتی، مقایسه میان رشته‌های مختلف دانشگاهی و تحلیل نقش عوامل واسطه‌ای دیگر مانند حمایت اجتماعی، عزت نفس یا اهداف یادگیری نیز می‌تواند زمینه‌ساز توسعه مطالعات آینده باشد. با توجه به یافته‌های این پژوهش، توصیه می‌شود برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای ویژه والدین در راستای تقویت سبک فرزندپروری مقتدرانه طراحی و اجرا شود. همچنین، در دانشگاه‌ها می‌توان با برگزاری کارگاه‌های توانمندسازی روان‌شناختی و آموزشی، باورهای خودکارآمدی دانشجویان را تقویت کرد تا در کنار ارتقاء انگیزش یادگیری، کیفیت فرایند آموزشی نیز بهبود یابد. در سطح سیاست‌گذاری نیز توسعه مداخلات مدرسه‌محور و خانواده‌محور در زمینه مهارت‌های فرزندپروری می‌تواند راهگشای بهبود عملکرد تحصیلی نسل جوان باشد.

موازن اخلاقی

تمامی موازن اخلاقی در این پژوهش رعایت گردیده است.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

Extended Abstract

Introduction

Learning motivation is widely recognized as one of the key determinants of academic success and student persistence. It encompasses the internal and external forces that initiate, guide, and sustain goal-directed behaviors in the learning context. Numerous studies have shown that learning motivation is influenced by both psychological traits and environmental factors, particularly family-related variables such as parenting style (Agustina & Margunayasa, 2024; Zeng, 2024).

Parenting styles, as conceptualized in the literature, play a vital role in shaping a student's academic behavior and motivation. Among the most prominent classifications are authoritative, authoritarian, and permissive styles. Authoritative parenting, characterized by warmth, responsiveness, and structured autonomy, is generally associated with positive academic outcomes and stronger motivation in students (Madalena et al., 2024; Zheng et al., 2024). Conversely, authoritarian and permissive parenting styles often correlate with diminished academic engagement and motivational problems (Akrom & Ahmadi, 2024; Madani & Iskandar, 2024).

One theoretical mechanism that may explain the relationship between parenting style and learning motivation is self-efficacy. Defined as individuals' belief in their ability to perform tasks successfully, self-efficacy is considered a crucial motivational construct that mediates behavioral outcomes in educational settings (Xu, 2024; Zeng, 2024). The development of self-efficacy can be significantly influenced by early interactions with parents and the nature of parental support or control. For instance, children raised by authoritative parents

are more likely to perceive themselves as competent, which enhances their intrinsic motivation to learn (Yuan, 2023; Zhang et al., 2024).

Although a growing body of research supports the direct effect of parenting styles on learning motivation, the mediating role of self-efficacy in this relationship has received less empirical attention. Research by Peng suggests that parenting style affects motivational outcomes by shaping students' perceptions of their own abilities (Peng, 2023), and Abidin emphasizes how parenting patterns contribute to a child's resilience and learning drive (Abidin & Pitaloka, 2023). Moreover, studies like those by Kasmini and Wahyuni underscore that self-efficacy is not only shaped by the parenting environment but also significantly determines how students approach their learning tasks (Kasmini & Mardhatillah, 2023; Wahyuni & Rahmat, 2024).

The present study aims to explore the relationship between perceived parenting styles and learning motivation in university students, while specifically examining the mediating role of general self-efficacy. Given the limited research in this area, especially in higher education contexts, the findings of this study aim to contribute to a better understanding of the mechanisms through which parental behavior continues to impact academic motivation in emerging adulthood.

Methods and Materials

This study adopted a descriptive-correlational design and employed structural equation modeling (SEM) to assess the hypothesized relationships among the variables. The statistical population consisted of undergraduate students enrolled in the Faculty of Psychology and Educational Sciences at the University of Isfahan during the first semester of the 2023–2024 academic year. Using convenience sampling, 320 paper-based questionnaires were distributed. After eliminating incomplete responses, a total of 303 valid questionnaires were included in the final analysis.

Data were collected using three self-report instruments: Baumrind's Parenting Style Questionnaire (30 items), the Learning Motivation Questionnaire by Tuan et al. (2005) with 35 items, and the General Self-Efficacy Scale (GSE-10) by Schwarzer and Jerusalem. Descriptive statistics were used to report means and standard deviations, and inferential analyses were performed using SPSS-26 and AMOS to conduct SEM and test the mediation model.

Findings

The Kolmogorov-Smirnov test confirmed normality of all variables ($p > .05$), and multicollinearity diagnostics indicated no issues (Tolerance > 0.9 ; VIF < 2). Descriptive analysis showed that the mean score of overall learning motivation was 105.492 (SD = 19.825), with the highest mean among its subdimensions found in active learning strategies ($M = 21.356$). Authoritative parenting had the highest mean among parenting styles ($M = 22.957$), followed by permissive ($M = 20.413$) and authoritarian ($M = 18.149$).

SEM results revealed that the model had an excellent fit to the data (CFI = 0.973; TLI = 0.963; RMSEA = 0.021). The total, direct, and indirect standardized effects among the key variables were as follows:

- Permissive parenting → Self-efficacy: Total effect = -0.132 (direct only)
- Authoritative parenting → Self-efficacy: Total effect = 0.214 (direct only)
- Authoritarian parenting → Self-efficacy: Total effect = 0.037 (direct only)
- Permissive parenting → Learning motivation: Total effect = -0.107 (direct = 0.064; indirect = -0.043)
- Authoritative parenting → Learning motivation: Total effect = 0.192 (direct = 0.122; indirect = 0.070)
- Authoritarian parenting → Learning motivation: Total effect = 0.180 (direct = 0.168; indirect = 0.012)
- Self-efficacy → Learning motivation: Total and direct effect = 0.326

These results demonstrate that authoritative parenting style positively affects learning motivation both directly and indirectly through enhanced self-efficacy. Permissive parenting negatively affects motivation, largely due to its weakening effect on self-efficacy. Authoritarian parenting was positively linked to learning motivation, but its influence on self-efficacy was minimal.

Discussion and Conclusion

This study confirms the importance of perceived parenting styles in shaping university students' learning motivation and highlights the critical mediating role of self-efficacy. The authoritative parenting style, characterized by supportive and structured interactions, was found to foster students' belief in their competence and thus enhance their motivation to learn. In contrast, the permissive parenting style appeared to hinder the development of self-efficacy, leading to reduced motivation. While authoritarian parenting showed a positive direct effect on learning motivation, its lack of influence on self-efficacy suggests that this motivation may be driven more by external pressure than intrinsic belief.

The findings support the idea that parenting styles continue to exert influence into emerging adulthood, not just during childhood and adolescence. Self-efficacy serves as a vital psychological mechanism through which early parenting experiences shape motivational orientation in higher education. By understanding this mediational pathway, educators and families can adopt strategies that bolster students' self-beliefs and learning engagement.

These results also provide practical implications for designing interventions that focus on improving parenting practices and enhancing students' self-efficacy to ultimately strengthen academic outcomes. Educational institutions may benefit from offering support programs that involve family engagement and personal development initiatives for students.

References

- Abidin, R., & Pitaloka, G. (2023). Analysis of Parenting Patterns as an Effort to Increase Adversity Quotient and Learning Motivation of NU Muslim at TK Students in Malang. 29-39. https://doi.org/10.2991/978-2-38476-022-0_4
- Agustina, S., & Margunayasa, I. G. (2024). Learning Motivation and Parenting Patterns: Factors That Influence Elementary School Students' Science Learning Outcomes. *Journal for Lesson and Learning Studies*, 7(1), 133-141. <https://doi.org/10.23887/jlls.v7i1.66135>
- Akrom, R. A., & Ahmadi, A. (2024). Analisis Gaya Pengasuhan Orang Tua Terhadap Motivasi Belajar Siswa Tingkat Sekolah Menengah Atas. *Dewantara Jurnal Pendidikan Sosial Humaniora*, 3(3), 344-358. <https://doi.org/10.30640/dewantara.v3i3.3114>
- Alzabidi, T., Mohamad Sahari, N., & Saleh, R. R. (2024). Academic performance and academic self-efficacy among pre-university students in Malaysia. *IJUM Journal of Educational Studies*, 12(1), 4-23. <https://doi.org/10.31436/ijes.v12i1.455>
- Anggreni, N. K., & Dibia, I. K. (2022). Learning Motivation and Parenting Styles of Parents and Their Relationship to Social Studies Learning Outcomes for Elementary School Students. *Journal of Psychology and Instructions*, 5(2), 75-82. <https://doi.org/10.23887/jpai.v5i2.49855>
- Erden, M., & Üredi, I. (2023). The Effect of Perceived Parenting Styles on Self-Regulated Learning Strategies and Motivational Beliefs. *Ijpe*, 2(1). <https://doi.org/10.54195/ijpe.18153>
- Febriani, P. A., Gimin, G., & Primahardani, I. (2023). The Influence of Parenting Patterns on Student Learning Motivation at MTs Fadhillah Pekanbaru. *Jetish Journal of Education Technology Information Social Sciences and Health*, 2(2), 1555-1562. <https://doi.org/10.57235/jetish.v2i2.591>
- Kasmini, L., & Mardhatillah, M. (2023). Analysis of Parents Parenting Styles and Students Learning Motivation. *Sensei International Journal of Education and Linguistic*, 3(1), 15-27. <https://doi.org/10.53768/sijel.v3i1.133>
- Kurniasari, A., Oktradiksa, A., & Shalikhah, N. D. (2023). Parenting Style on Learning Motivation in Thematic Learning. 1149-1157. https://doi.org/10.2991/978-2-38476-118-0_131
- Kusumah, E. (2024). Analisis Pola Asuh Orang Tua Terhadap Motivasi Belajar Pada Siswa Kelas IV SDN Cibunigeulis 4. *J.Pendidikan*, 2(2). <https://doi.org/10.70963/jpr.v2i2.86>
- Madalena, A. P., Loureto, G. D. L., Santos, J. A. G., Layrtthon Carlos de Oliveira, S., Fortes, G., & Freires, L. A. (2024). Psychological Well-Being Among Adolescents: The Role of Parenting Styles, Causal Attributions of Academic Success/Failure, and Perceived School Performance. *Journal of Psychoeducational Assessment*, 42(5), 498-511. <https://doi.org/10.1177/07342829241245462>
- Madani, A., & Iskandar, Y. (2024). The Influence of Parenting Styles on Students Learning Motivation Akidah Akhlak Subject at MI Al Muttaqin. *Insights*, 1(2), 38-43. <https://doi.org/10.59923/insights.v1i2.186>

- Nasution, L. E., Muhyani, M., & Fadil, K. (2023). Pengaruh Pola Asuh Orang Tua Terhadap Motivasi Belajar PAI Siswa Kelas III Di SDN Kayumanis 01 Bogor. *Jurnal Dirosah Islamiyah*, 5(3), 722-731. <https://doi.org/10.47467/jdi.v5i3.4099>
- Parsakia, K., Rostami, M., & Saadati, S. M. (2023). Validity and reliability of digital self-efficacy scale in Iranian sample. *Journal of Adolescent and Youth Psychological Studies (JAYPS)*, 4(4), 152-158. <https://journals.kmanpub.com/index.php/jayps/article/view/1151>
- Peng, H. (2023). The Impacts of Parenting Style and Education Level of Parents on Learning Motivation. *Lecture Notes in Education Psychology and Public Media*, 25(1), 58-63. <https://doi.org/10.54254/2753-7048/25/20230318>
- Putri, J. L. E., Ramadhani, S. P. H. S., Wati, V. S., & Isnanda, R. (2023). The Relationship Between Parenting Patterns on Children's Learning Motivation. *Jlel Journal of Language Education and Literacy*, 1(1), 18-24. <https://doi.org/10.24036/jlel.v1i1.11>
- Razavi, S. (2024). The Causal Model of Cognitive Emotion Regulation: Maladaptive Early Schemas and Parenting Styles. *Jayps*, 5(6), 68-77. <https://doi.org/10.61838/kman.jayps.5.6.8>
- Vega-Díaz, M., González-García, H., & Labra, C. d. (2023). Parenting Profiles: Motivation Toward Health-Oriented Physical Activity and Intention to Be Physically Active. *BMC psychology*, 11(1). <https://doi.org/10.1186/s40359-023-01239-7>
- Wahyuni, S. A. S., & Rahmat, T. (2024). The Influence of Parenting Styles on Mathematics Learning Motivation in Seventh Grade Students in Junior High School. *Jurnal Prinsip Pendidikan Matematika*, 6(2), 189-196. <https://doi.org/10.33578/prinsip.v6i2.207>
- Wahyuningtyas, D. F. I., Arifin, S., & Wahyono, R. (2022). The Influence of Learning Facilities and Parenting Patterns on Learning Achievement Through Learning Motivation(Study on State Vocational High School Students as West Korwil Pasuruan District of Indonesia). *International Journal of Scientific and Academic Research*, 02(07), 01-10. <https://doi.org/10.54756/ijisar.2022.v2.i7.1>
- Xu, G. (2024). Perceived Paternal and Maternal Parenting Attributes of Primary Students' Learning Motivation. *Lecture Notes in Education Psychology and Public Media*, 48(1), 65-73. <https://doi.org/10.54254/2753-7048/48/20231502>
- Yuan, L. (2023). The Influence of Parenting Styles on the Motivation of Private College Students. *Journal of Education and Educational Research*, 4(3), 36-38. <https://doi.org/10.54097/jeer.v4i3.11340>
- Zeng, S. (2024). The Relationship Between Parenting Styles, Learning Motivation and Self-Efficacy of Diverse Age. *Tssehr*, 11, 441-448. <https://doi.org/10.62051/n6t6z967>
- Zhang, C., Kwan, J. L. Y., & Leung, B. W. (2024). Relationships Between Perceived Parenting Styles and the Self-Regulated Music Practice of Chinese Music Majors. *Musicae Scientiae*, 29(1), 165-183. <https://doi.org/10.1177/10298649241287374>
- Zheng, W., Lay, Y. F., & Anne Noor Sri Juwaneeta, J. (2024). Authoritative Parenting Style and Lifelong Music Learning Intention: The Mediating Role of Perceived Determinants. *Problems of Education in the 21st Century*, 82(6), 923-938. <https://doi.org/10.33225/pec/24.82.923>